

صورت‌بندی پیوست‌های فرهنگی
نقاشی قاب آینه‌های نشان‌دار دوره
قاجار



قاب آینه‌های باروایت‌هایی از عرفا، قرن
۱۹ م/ ۱۳ ه، اثر محمد اسماعیل، ابعاد:
۱۵/۳ × ۲۴/۵ مأخذ:
www.sothebys.com



صورت‌بندی پیوست‌های فرهنگی نقاشی قاب آینه‌های نشان‌دار دوره قاجار*

سکینه خاتون محمودی* سیدابوتراب احمدپناه** محمد خزایی***

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۲/۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۹/۲۹

چکیده

اشیاء که در زندگی عادی مردم، مبتنی بر نوعی عقلانیت ابزاری‌اند، گاه در زندگی روزمره از جایگاه و کارکرد معمول خود فراتر رفته، کاربرد و جایگاه فرهنگی پیدامی‌کنند. آینه‌ها از جمله اشیاء مادی هستند که با تأثیرپذیری از فرهنگ ایرانی-اسلامی، کارکرد فرهنگی و اعتقادی یافته‌اند. در این تحقیق، که با هدف شناخت تأثیر ایدئولوژی و مذهب بر فرهنگ مادی دوره قاجار انجام پذیرفته، تلاش گردیده تا با مطالعه موردی «قاب آینه»، به چگونگی کار برد مضامین مختلف بر روی این آثار پرداخته شود. آنچه در این گفتار مورد بحث است، نشان دادن روایت‌ها، کدها و رمزنگاره‌های رایج بر روی قاب آینه‌های دوره قاجار است. بنا بر این با فرض بر این که قاب آینه‌ها در دوره قاجار از کارکرد معمول خود فراتر رفته و به عنوان وسیله‌ای برای انتقال فرهنگ و ایدئولوژی کاربرد پیدا کرده‌اند، تلاش گردیده تا بدین پرسش اساسی پاسخ داده شود که: ۱. قاب آینه‌ها در دوره قاجار چگونه به عنوان ابزاری مادی برای انتقال فرهنگ و ایدئولوژی درآمده‌اند؟ ۲. پرکاربردترین مضامین فرهنگی و دینی رایج در آن‌ها چه بوده‌است؟

روش کار در این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی بوده، جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای، اسنادی انجام شده‌است. برای رسیدن به نتیجه‌ای بهتر، نمونه‌های مورد بررسی به روش طبقه‌بندی خوشه‌ای، دسته‌بندی و سپس تحلیل گردیدند. لذا در این پژوهش در دو بخش اصلی، شامل جایگاه آینه در فرهنگ ایرانی-اسلامی، و پیوست‌های صوری و فرهنگی قاب آینه‌های دوره قاجار (روایت‌ها، کدها و رمزنگاره‌ها) بر روی ۳۰ نمونه انتخابی، بدین مسئله پرداخته شد. نتیجه این بررسی حاکی از آن است که قاب آینه‌ها در دوره قاجار کارکرد دگرگونه‌ای پیدا کرده‌گانه در بیان روایت‌ها، گاه به عنوان ابزاری در جهت تعلیم و تأکید بر مضامین دینی و اخلاقی و گاه نیز به عنوان حرز و تعویذی برای نگاه‌داشت و محافظت دارندگان این ادعیه از بلا یا کاربرد یافته‌اند.

واژگان کلیدی

فرهنگ مادی، مذهب تشیع، قاب آینه‌ها، دوره قاجار.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان «بررسی نسبت عناصر هنری رایج در فرهنگ مادی دوران قاجار با آموزه‌های شیعی» و با راهنمایی نویسنده دوم و سوم در دانشگاه تربیت مدرس است.

** دانشجوی دکتری هنر اسلامی، دانشگاه تربیت مدرس، شهر تهران: استان تهران Email:mahmoodi.s.k@gmail.com

*** استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، شهر تهران: استان تهران. (نویسنده مسئول).

Email:ahmadp_a@modares.ac.ir

**** استاد دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، شهر تهران: استان تهران. Email:mohamad.khazaei@gmail.com

مقدمه

و عکس‌های مورد نیاز نیز با رجوع به منابع مکتوب مثل: کتاب «کارهای لاکه» (خلیلی، ۱۳۸۶) انتخاب گردیده‌است. با توجه به فراوانی قاب آیین‌های قاجاری، در این پژوهش فقط به ذکر نمونه‌هایی پرداخته شده که به لحاظ صوری با موضوع این پژوهش تناسب داشتند. یعنی آثاری که روایتی: ادبی، عرفانی یا مذهبی دارند. بر این اساس از بین ۳۰ نمونه انتخاب شده، به تناسب محتوا و حجم مقاله، تصویر تعدادی از این آثار در متن گنجانده شده‌است. برای رسیدن به پاسخی مناسب با سؤال اصلی پژوهش، نمونه‌های مورد بررسی، به روش طبقه‌بندی خوشه‌ای در سه بخش: روایت‌ها، نمادها و کدها دسته‌بندی شدند. تحلیل این آثار، بر مبنای رویکرد فرهنگی جفری الکساندر^۱ و فیلیپ اسمیت^۲ که مبتنی بر خوانش معانی اجتماعی از طریق مفاهیم، نمادها و روایت‌ها است، انجام گردیده‌است. یعنی رویکردی که با ترکیب و تفسیر برخی از آراء دورکیم، جامعه‌شناسی و نشانه‌شناسی شکل گرفته، می‌کوشد ساختار فرهنگ را توضیح دهد.

این مقاله در دو بخش اصلی تدوین گردیده‌است. بدین ترتیب که در بخش اول به جایگاه آیین در فرهنگ ایرانی - اسلامی پرداخته شده و در بخش دوم پیوست‌های صوری و فرهنگی قاب آیین‌ها (روایت‌ها، کدها و رمزنگارها) مورد تحلیل قرار می‌گیرند.

پیشینه تحقیق

در خصوص «پیوست‌های صوری و فرهنگی رایج در قاب آیین‌های دوره قاجار» پژوهشی مشابه مشاهده نشد. پیشینه پژوهش در مورد قاب آیین‌ها را می‌توان بخشی از پژوهش با مضمون نقاشی لاکه دانست از جمله: (دارویی و مراثی، ۱۳۹۰؛ رابینسون، ۱۳۸۶) رویکرد غالب در این آثار، معرفی ویژگی‌های ظاهری قاب آیین‌ها از منظر خصوصیات صوری و آرایه‌های به کار رفته در آنها است. کتاب «کارهای لاکه» (خلیلی، ۱۳۸۶) از مشهورترین آثار در زمینه نقاشی لاکه بوده و آیین‌ها را در زمره بخشی از این آثار مورد توجه قرار داده، اما تحلیلی در این زمینه انجام نشده‌است. همچنین مقیم‌پور بیژنی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان: «آیین و قاب آیین در هنر ایران» به معرفی اجمالی انواع قاب آیین‌های رایج در هنر ایران پرداخته و قاب آیین‌های قاجاری را نیز به عنوان بخشی از این آثار، مورد توجه قرار داده‌است. این مقاله از حیث پرداختن به ویژگی‌های صوری و فرهنگی قاب آیین‌ها و مطالعه موردی آنها به عنوان بخشی از اشیاء زندگی روزمره پژوهشی نو محسوب می‌شود.

مبانی نظری

تا کنون تعاریف مختلفی از فرهنگ شده‌است، اما یکی

آیین در زندگی ایرانیان تاریخ فرهنگی دیرینه‌ای دارد و در طول این تاریخ کهن توانسته‌است جایگاه درخور توجهی را در فرهنگ و ادب ایرانی، به دست آورد. کاربردهای تمثیلی و استعاره‌ای آیین در فرهنگ و ادب فارسی، فراوان است. اصطلاحات و عباراتی همچون: آیین اسکندر، آیین غیب، آیین وجود، آیین جادو و نظایر آن، گستره موضوعی وسیعی را در فرهنگ، فلسفه، عرفان، ادب و زندگی ایرانیان پدید آورده، جایگاه ارزنده‌ای را به این شیء نمادین بخشیده‌است. این موضوع در عرصه هنر نیز بازتاب مناسبی داشته و هنرمندان، از این شیء به عنوان محمل مناسبی برای عرضه انواع طرح‌های هنری سود جست‌اند. آنچه تا کنون از این میراث هنری به روزگار ما رسیده، مجموعه‌ای است از آیین‌هایی که در موزه‌های سرتاسر جهان پراکنده شده‌اند. بخش بزرگی از این آثار به دوره قاجار تعلق دارند. جمال هنری این آثار به همراه پیوست‌های فرهنگی، مذهبی و هنری به کار رفته در آنها، این آیین‌ها را به اسناد اصیلی از فرهنگ و هنر ایرانی تبدیل کرده‌است.

در این پژوهش که با هدف شناخت پیوست‌های فرهنگی و مذهبی - شیعی رایج در فرهنگ مادی دوره قاجار انجام پذیرفته، تلاش گردیده تا با مطالعه موردی «آیین» به عنوان یکی از عناصر مادی رایج در فرهنگ مردم، به چگونگی گسترش مضامین مختلف بر روی این آثار پرداخته شود. آنچه در این گفتار مورد بحث است، نشان دادن روایت‌ها، کدها و رمزنگارهای رایج بر روی قاب آیین‌های دوره قاجار است. بنا بر این با فرض بر این‌که: قاب آیین‌ها در دوره قاجار از کارکرد معمول خود فراتر رفته و به عنوان وسیله‌ای برای انتقال فرهنگ، ایدئولوژی کاربرد پیدا کرده‌اند، تلاش گردیده تا بدین پرسش‌های اساسی پاسخ داده شود که: ۱. قاب آیین‌ها در دوره قاجار چگونه به عنوان ابزاری مادی برای انتقال فرهنگ و ایدئولوژی درآمده‌اند؟ ۲. پرکاربردترین مضامین فرهنگی و دینی رایج در آنها چه بوده‌است؟

روش تحقیق

روش کار در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی بوده، جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای، اسنادی انجام شده‌است. نمونه‌های مورد بررسی بر مبنای فرضیه و سؤالات تحقیق، به شیوه انتخابی از بین آثار موجود در مجموعه‌های الکترونیکی آنلاین موزه‌های ارمیتاژ، ویکتوریا و آلبرت، و مجموعه‌های خلیلی و ساتبی، همین‌طور آثار موجود در موزه‌های آستانه قم و شاه عبدالعظیم برگزیده شده‌است. سایر اطلاعات



گسترده‌تر قابل فهم می‌گردد. گیرتز^۵ وظیفه یک پژوهشگر را «یافتن معانی» از ورای آنچه مردم انجام می‌دهند، می‌داند. یعنی کشف دلالت یا معنی‌داری همه زندگی و تفکر آن‌ها درباره آیین‌ها، ساخت‌ها و عقاید. الکساندر و اسمیت نماد، رمزگان و روایت را به عنوان ساختارهای فرهنگ می‌شناسند و بر این باورند که اگر از نماد، رمزگان و روایت مربوط به یک پدیده توصیف ژرف به عمل آید، معنای اجتماعی آن پدیده روشن خواهد شد.

- شیء فرهنگی: گیرتز در تحلیل‌های خود، با در نظر گرفتن فرهنگ مادی به عنوان یک مؤلفه شاخص، تعریف گسترده‌تری را از فرهنگ ارائه داد. از نظر او کالاهای مادی می‌توانند جنبه‌ای از فرهنگ باشند، اما فقط هنگامی که معنایی به آن‌ها نسبت داده شود (هال و جونیتس، ۱۳۹۰: ۳۶۰). یک پدیده، ذاتاً دنیوی یا مقدس نیست، بلکه زمانی یکی از این دو خصلت را پیدا می‌کند که مردم یا برای آن پدیده ارزش فایده‌آمیز قائل شوند و یا برعکس، صفات ذاتی‌ای را به آن نسبت دهند که به ارزش وسیله‌ای‌اش هیچ ارتباطی نداشته باشد (کوزر، ۱۳۸۳: ۱۹۸).

- گداهای نمادین خیر و شر: الکساندر با الهام از دوگانه لاهوتی / ناسوتی دورکیم^۶، طرح تحلیلی خود را گسترش داده و می‌گوید: «فرهنگ باید به عنوان نظامی از گداهای نمادین درک شود که خیر و شر را مشخص می‌کند» (Alexander & Smith, 1993: 196). تقسیم جهان به دو حوزه، یکی دربردارنده همه چیزهای لاهوتی و دیگری دربردارنده همه چیزهای ناسوتی خط تمایزی است که اندیشه دینی را از اندیشه‌های دیگر جدا می‌کند (دورکیم، ۱۳۸۳: ۴۹). بنابر این هر آنچه را در زمینه دسترس و نفوذ این امور مقدس باشد، در بر می‌گیرند و حیطة مکانی و زمانی و عناصر مادی و انسانی وابسته به خودشان را دائم یا مقطعی، و هنگام مناسب، خصلتی قدسی و لاهوتی می‌بخشند.

در ادامه مطلب با توجه به این نظریه، به موضوع اصلی این تحقیق در دو بخش اصلی: جایگاه آیین در فرهنگ ایرانی - اسلامی و پیوسته‌های صورتی و فرهنگی قاب آیین‌های دوره قاجار، پرداخته می‌شود.

جایگاه آیین در فرهنگ ایرانی - اسلامی

کاربردهای تمثیلی و استعاره‌ای آیین در فرهنگ و ادب فارسی، فراوان است. جایگاه شامخ آیین در فرهنگ ایرانی - اسلامی را می‌توان از خلال مطالعه متون کهن فارسی و نوشته‌های ادبی، عرفانی پس از اسلام، بهتر بازشناخت. در فرهنگ کهن ایرانی یکی از نیروهای تشکیل دهنده انسان آیین است که پس از مرگ وی به خورشید می‌پیوندد.^۷ وجه تمثیلی این نوشتار در

از معروف‌ترین تعریف‌ها، تعریف ادوارد تایلور^۱ است. از نظر وی «فرهنگ کل پیچیده‌ای شامل دانش، باور، هنر، اخلاقیات، قانون، آداب و رسوم و هر قابلیت و عادت دیگری است که توسط انسان به مثابه عضوی از جامعه کسب می‌شود» (Taylor, 1985: 1). فرهنگ مادی، بخشی از فرهنگ است که در برگیرنده اشیاء و وجه مادی زندگی انسان‌هاست. به همان اندازه که حضور فیزیکی اشیاء در زندگی مردم اهمیت دارد، از نظر سمبولیک نیز حاوی معانی متفاوت و گسترده‌ای می‌باشند. به گونه‌ای که می‌توان هدف از طراحی بسیاری از آن‌ها را ایجاد معانی خاص در سیستم روابط اجتماعی دانست. رویکردهای فرهنگی که بر معانی فرهنگی اشیاء تأکید دارند، یکی از مهم‌ترین جریان‌های رایج در مطالعه فرهنگ مادی می‌باشند. از مشهورترین چهره‌های این جریان می‌توان به امیل دورکیم و مارسل موس، پی‌یر بوردیو، جفری الکساندر و فیلیپ اسمیت اشاره کرد (Woodward, 2007: 3). این مقاله، بر مبنای روش تحلیلی جفری الکساندر و فیلیپ اسمیت، از مشهورترین نظریه‌پردازان و جامعه‌شناسان معاصر، تدوین شده است. عمده‌ترین مزیت طرح الکساندر و اسمیت، نسبت به سایر شیوه‌ها، توجه به ترکیب و تلفیق نظریه‌هاست که چارچوب روش‌شناختی جامعی را برای مطالعه فرهنگ فراهم می‌کند. «برنامه قوی در جامعه‌شناسی فرهنگی: عناصر یک هرمنوتیک ساختاری»^۲، از بنیادی‌ترین کارهای الکساندر و اسمیت است که در آن به توضیح مبانی فکری خود پرداخته‌اند. از خلال مطالعه این نوشتار و سایر پژوهش‌های انجام شده توسط الکساندر و اسمیت، می‌توان شاخص‌ترین وجوه تفکر آن‌ها را که مناسب این پژوهش می‌باشد، بدین شرح بیان کرد:

- «خود آیینی یا استقلال نسبی^۳ فرهنگ»: منظور از خودآیینی فرهنگ، جداسازی تحلیلی و دقیق فرهنگ از ساختار اجتماعی است. الکساندر و اسمیت در مطالعات خود، فرهنگ را به عنوان علت نگاه می‌کنند، نه اساساً به عنوان انعکاسی از زندگی اجتماعی (فخرائی، ۱۳۸۸: ۴۵).

- «توصیف ژرف»^۴: الکساندر و اسمیت با تأکید بر استقلال نسبی فرهنگ، به تبیین ویژگی‌ها یا اصول روش‌شناختی خود می‌پردازند. اصل اول در این برنامه، بازسازی قوی و متقاعد کننده متن اجتماعی است و آنچه برای این امر مورد نیاز است، «توصیف ژرف» گیرتزی از رمزگان، روایت‌ها و نمادهایی است که شبکه‌ها و تارهای بافته شده معنای اجتماعی را به وجود می‌آورند» (Alexander & Smith, 2006: 13). منظور از توصیف ژرف گیرتزی، در واقع رویه‌ای است که در آن معنا از طریق ارجاع به زمینه فرهنگی

1. Edward Taylor
2. "Strong Program in Cultural Sociology: Elements of Structural Hermeneutics" (Alexander & Smith, 2006).
3. Autonomy
4. Thick description
5. Clifford Geertz
6. Émile Durkheim

۷. در بندهش چنین آمده است: «او مردم را به پنج بخش فراز آفرید: تن، جان، روان، آیین و فروهر. چون تن آن که ماده است، جان آن که با باد پیوسته، دم آوردن و بردن، روان آن که با بوی تن است: شنود، بیند، گوید، و داند. آیین آن که به خورشید پایه ایستد، فروهر آن که پیش هرمزد خدای است ... چون مردم میرند، تن به زمین، جان به باد، آیین به خورشید، روان به فروهر پیوندد» (فرنخ‌دادگی، ۱۳۶۹: ۴۸).

گذاشتن آئینه بر بالای خوان نوروزی و خوان عروسی، فرستادن آئینه و قرآن، قبل از نقل مکان کردن به خانه جدید، نگاه کردن به آئینه هنگام روشن کردن چراغ یا موقع دیدن هلال ماه نو از دیر باز در فرهنگ ایرانی، رایج بوده‌است (یاحقی، ۱۳۷۵: ۵۳). آب بر آئینه زدن و ریختن نیز از دیگر رسوم رایج بین مردم، برای زودتر بازآمدن مسافر است (شمیسا، ۱۳۷۷: ۷۸). اهمیت آئینه در نمایاندن حقیقت وجودی انسان، موضوع دیگری است که در فرهنگ ایرانی مورد توجه قرار گرفته‌است. انسان با نگاه کردن به آئینه می‌تواند به ماهیت واقعی وجود خود، آگاهی یابد. البته برای رسیدن به این منظور آئینه باید کاملاً صاف و صیقلی بوده و هیچ‌گونه آلودگی یا غباری صفحه آن را تیره و کدر نساخته‌باشد. در این معنا، آئینه از سویی بازتاب دهنده صمیمیت و آگاهی است و از سویی دیگر، با پوشیده شدن از گرد و غبار و آلودگی، روحی کدر از جهالت را بازتاب می‌دهد (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴: ۳۲۵). که می‌تواند با خو پسندی یا خود بینی و گمراهی حاصل از بازتاب تصویر فرد در آئینه، ارتباط داشته‌باشد.

لازم به ذکر است که ساخت آئینه‌های صیقلی از آهن یا روی از دیرباز در ایران رایج بود. در دوره صفویه با گسترش آئینه‌های شیشه‌ای، این نوع آئینه‌ها به تدریج جای آئینه‌های فلزی را گرفته و به عنوان یک شیء ضروری، کاربرد گسترده‌ای در زندگی ایرانیان پیدا کردند. قاب این آئینه‌ها از مصالح مختلفی مثل: چوب، فلزات مختلف یا لاک الکل ساخته می‌شدند. این فرایند در دوره قاجار نیز، ادامه یافت. گسترش آرایه‌های هنری و مضامین فرهنگی مختلف بر روی قاب آئینه‌ها، این اشیاء را به اسناد اصیلی از فرهنگ و هنر ایرانی تبدیل کرد. تصاویر نقش شده بر قاب آئینه‌ها، موضوعی است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. در این بررسی، پیوست‌های صوری و فرهنگی مندرج در ۳۰ قاب آئینه منتخب، مورد تحلیل قرار می‌گیرند. بیش‌تر قاب آئینه‌های مورد بررسی به شیوه لاک ساخته شده‌اند. دسته‌بندی این آثار به روش خوشه‌ای و بر مبنای مضمون و محتوای درج شده بر قاب آئینه‌ها، یعنی: روایت‌ها، نمادها، گدھا و رمزنگاره‌ها انجام شده و در هر بخش، متناسب با موضوع و تنوع موجود در تصاویر، به صورت موردی، مضامین رایج در تعدادی از آن‌ها شرح داده شده‌است.

پیوست‌های صوری و فرهنگی قاب آئینه‌های دوره قاجار
در بررسی پیوست صوری و فرهنگی مذهب تشیع بر قاب آئینه‌های دوره قاجار، این موضوع در دو بخش مورد تحلیل قرار می‌گیرد: ۱. پیوست‌های روایی ۲. ویژگی‌های نمادین و کدهای فرهنگی.

رساندن بخشی از وجود انسان به خورشید به عنوان منبع، نور و روشنائی، نشانگر جایگاه والای آئینه در زندگی ایرانیان است. در فرهنگ ایرانی پس از اسلام نیز، بارها بر جایگاه شامخ آئینه تأکید شده و در عرفان اسلامی مفاهیم مهمی همچون: «حقیقت وجود»، «شناخت نفس» و «شناخت خداوند»، با مدد از تمثیل آئینه، فهم‌پذیر شده‌اند (حمزئیان و خادمی، ۱۳۹۵: ۱۰۳). «آئینه» از پرکاربردترین تلمیحات رایج در عرفان اسلامی بوده، بسیاری از عرفای مسلمان برای بیان اندیشه‌های خود در مورد شناخت حق و شناخت نفس، بارها از نماد آئینه استفاده کرده‌اند.^۱

قائل شدن اصلی الهی و آسمانی برای آئینه از مواردی است که می‌تواند در کسب این جایگاه والای فرهنگی مؤثر باشد. چنان‌که در برخی روایات، ساخت این شیء را به حضرت حق منسوب کرده‌اند. بنابر روایتی، هنگامی که آدم و حوا در بهشت گردش می‌کردند، به حوض کوثر رسیدند و آدم به تماشای صورت خود در آب پرداخت. خداوند با قدرت باکمال خود، «آن مقدار که نقش روی آدم بود، بر مثال قرص آئینه ببست و جبرئیل را امر کرد که آئینه را بردارد و در خزاین غیب نگاه دارد که روزی به کار خواهد آمد» (افشاری و مداینی، ۱۳۸۸: ۲۲۳). این آئینه یکی از اشیاء مقدسی بود که به امر خداوند برای بی‌اثر ساختن چشم‌زخم توسط جبرئیل، برای پیامبر اکرم (ص) آورده شد (همان: ۲۲۴). پیوستگی این شیء با عالم لاهوت و تأثیر آن در خنثی کردن نیروهای مخرب و منفی از مواردی است که در این روایت بر آن تأکید شده‌است.

آئینه در کارکردی دوگانه، می‌تواند عرصه نیروهای مخرب و منفی نیز باشد. در برخی منابع به سویی تاریک آئینه اشاره شده و کاربردهایی جادویی را برای آن بر شمرده‌اند. از جمله در منظومه خسرو و شیرین نظامی، شرح داستان زنی جادوگر آمده است که آئینه و شانه‌ای را به عنوان دامی بر سر راه قرار داد. فلک آن‌ها را برداشته، از آینه، کوه و از شانه، بیشه‌ها را ساخت (نظامی گنجوی، ۱۳۸۸: ۶۵). پیش‌گویی با آئینه و مشاهده اسرار عالم، از دیگر موضوعاتی است که بارها در فرهنگ و ادب فارسی تکرار شده است. جام جم، جام کیخسرو یا آئینه اسکندر از معروف‌ترین اشیاء مرتبط با این مقوله هستند. این موضوع در فرهنگ اسلامی نیز بازتاب یافته، چنان‌که بر طبق روایتی، هنگامی که حضرت رسول (ص) به معراج رفت، حق تعالی آئینه‌ای به دست وی داد. «چون رسول در آئینه نگاه کرد، هجده هزار عالم و جمیع موجودات زمین و آسمان و عرش و کرسی و لوح و قلم را بی‌حجاب مشاهده فرمود و هیچ چیز بر وی پوشیده و پنهان نماند» (افشاری و مداینی، ۱۳۸۸: ۲۲۶).

آئینه در فرهنگ عامه نیز جایگاه خاصی دارد. رسم

۱. به عنوان مثال: بقلی شیرازی در شرح شطحیات در مورد شناخت «حق» آورده است: «چون حق آئینه شد، عاشق را محل مشاهده رضاست. چون عارف آئینه شد، محل تجلی بقاست ... چون عدم رنگ قدم گرفت، عارف فعل آمد در صفت آئینه ...» (بقلی شیرازی، ۱۳۴۴: ۱۰۶). ابوالقاسم قشیری نیز در رساله قشیری در مورد «شناخت نفس» آورده است: «به دوازده سال آهنگر نفس خویش بودم و پنج سال آئینه «دل» خویش بودم و یکسال اندر آئینه می‌نگریستم؛ زُناری دیدم بر میان خویش ظاهر دوازده سال در آن بودم تا ببریدم» (قشیری، ۱۳۴۵: ۱۴۷). و سهروردی در رساله لغت موران به شرح گفتگوی ادریس پیامبر با ماه پرداخته و با تمثیل آئینه به «تجلی صفات حق در عارف» اشاره می‌کند: ادریس (ع) از ماه پرسید دوستی تو با خورشید تا چه حدی است؟ و ماه چنین پاسخ داد که: «تا به حدی که هر گه که در خود نگرم در هنگام تقابل خورشید را ببینم زیرا که مثال نور خورشید در من ظاهر است ... نبینی که اگر آئینه را در برابر خورشید بدارند، صورت خورشید در او ظاهر گردد. اگر تقدیراً آئینه را چشم بودی و در آن هنگام که در برابر خورشید است، در خود نگریستی همه خورشید را دیدی گرچه آهن است. «انا الشمس» گفتی ...» (سهروردی، ۱۳۸۸: ۹۶).



تصویر ۲. قاب آئینه با نقش حضرت مریم، نیمه دوم قرن ۱۸ م، ابعاد 5/12×17 cm مأخذ: همان.



تصویر ۱. قاب آئینه با نقش یوسف و زلیخا، قرن ۱۹ م، ابعاد: 2/27×3/38 cm مأخذ: موزه ارمیتاژ، www.hemitagemuseum.org

زندگی وی شرح داده شده است. در این داستان، به موارد متعددی از رفتارهای فردی و اجتماعی از جمله: خیانت برادران یوسف به وی، چگونگی برآمدن یوسف از چاه، رسیدنش به منزلت و جاه در دربار فرعون و داستان عاشقانه یوسف و زلیخا اشاره شده است. در حقیقت می‌توان گفت داستان یوسف و زلیخا، نمایشی از خواست‌های نفسانی انسان و چگونگی مواجهه وی با آن است. این داستان آمیزه‌ای از عشق، هوس، نیرنگ و چاره‌گری است. تدبیر الهی نیز در روند امور دخالت دارد. جنبه‌های ذوقی این روایت، از جمله صحنه نمایاندن چهره حضرت یوسف (ع) به زنان مصری و بی‌خود شدن آن‌ها از جذبه جمال وی، از قسمت‌های جذاب این داستان می‌باشد که بسیار مورد توجه هنرمندان و نقاشان قرار گرفته است.

تصویر، از قاب آئینه‌هایی است که این موضوع در آن، مصور گردیده است. تدابیر فنی ویژه‌ای نیز در این تصویر برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب به کار رفته، از جمله: استفاده از رنگ‌های گرم در سرتاسر نگاره، قرار دادن زلیخا (به مثابه نمادی از خواهش‌های نفسانی) در بخش میانی تصویر و مصور کردن گروهی از بانوان گریبان چاک و پریشان در پیش‌زمینه. در حالی‌که حاکمیت بخش بیشتر فضای

پیوست‌های روایی قاب آئینه‌ها

بخشی از روش تحلیلی برای درک ساختار فرهنگ، توجه به روایت‌ها است. چرا که «کل فرهنگ به اسلوب روایتگری شکل گرفته است» (ریکور، ۱۳۸۶: ۵۶). و روایت نیز همچون تاریخ، معناهای ضمنی قابل توجهی دارد. بر این اساس، برخی از شاخص‌ترین روایت‌های مرتبط با آئینه بدین شرح‌اند: روایت‌های اساطیری و مذهبی، روایت‌های ادبی و عرفانی، روایت‌های عاشقانه و بزمی، و شمایل‌نگاری شیعی که در ادامه به شرح این روایت‌ها پرداخته می‌شود:

روایت‌های اساطیری و مذهبی

روایت داستانی حضرت یوسف و زلیخا و صحنه‌هایی از زندگی حضرت مریم (ع) از مشهورترین روایت‌های اساطیری و مذهبی متداول در دوره قاجاری می‌باشند. از بین ۳۰ اثر مورد بررسی در این پژوهش، ۲ مورد به تصویرگری داستان حضرت یوسف (ع) و زلیخا و ۳ نمونه نیز به تصویرگری روایت‌هایی از زندگی حضرت مریم (ع) پرداخته‌اند.

حضرت یوسف: حضرت یوسف (ع) یکی از معروف‌ترین شخصیت‌های قرآنی است که در سوره یوسف، قصه

جدول ۱. آئینه‌های دارای روایت اساطیری و مذهبی



الف: یوسف و زلیخا (خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۱۳).
ب: یوسف و زلیخا (ارمیتاژ).
ج: حضرت مریم و عیسی (ع) (ویکتوریا و آلبرت).
د: حضرت مریم و عیسی (ع) (ارمیتاژ).
ه: حضرت مریم و عیسی (ع) (ویکتوریا و آلبرت).

اگر بپذیریم که این قاب آئینه متعلق به یک فرد مسلمان است، بهترین توصیفی که می‌توان در مورد این نگاره به کار برد، «دیگری فرهنگی» است که به عنوان یک سرمشق مناسب برای زندگی بهتر و رسیدن به کمال انسانی، می‌تواند مورد توجه قرارگیرد.

روایت‌های ادبی و عرفانی

از بین ۳۰ نمونه مورد بررسی در این پژوهش، تصویر روایت‌های ادبی و عرفانی در قاب آئینه‌های دوره قاجار در دو موضوع، یعنی: روایت شیخ صنعان (۳ مورد) و تصویرگری از چهره‌های مشاهیر ادب و عرفان (۲ مورد) مشاهده شد.

شیخ صنعان: در بین تعداد زیادی از روایت‌های ادبی و عرفانی، داستان شیخ صنعان از معروف‌ترین داستان‌های ادب فارسی است که پس از سرایش توسط فریدالدین عطار نیشابوری (۶۲۷-۵۳۷ هـ)، مورد توجه عمیق عارفان و ادیبان قرار گرفت. این قصه به شرح

این تصویر در اختیار زلیخا و ملازمانش قرار داشته و حضرت یوسف (ع) در حاشیه نگاره قرار گرفته، اما بردارهای نامرئی نگاه که از سرتاسر تصویر بدین سو ترسیم می‌شود، با رشته‌ای نامرئی توجه نگرندگان را به شخصیت حضرت یوسف (ع) یعنی: نمونه کمال یافته انسانی و حسن خدادای، جلب کرده است.

حضرت مریم: داستان زندگی حضرت مریم (ع) که در قرآن نیز آمده است، او را در سیمای زنی پارسا تصویر می‌کند. وی نیز همچون حضرت یوسف (ع) نمادی از عبادت، عصمت، عفت و پارسایی است که با پذیرش مقدرات الهی در سیمای یک زن مقدس و آرمانی ظاهر می‌شود. تصویر ۲، که به نیمه دوم (قرن ۱۸ م/ ۵۱۲ هـ)، تعلق دارد، زنی مورد احترام و ستایش را نشان می‌دهد که ستایشگران در مقابلش زانو زده‌اند. مناسبات اجزاء و آرایه‌ها با یکدیگر، مثل ساختمان‌های غربی در پس‌زمینه، لباس‌ها و چهره‌های اروپایی و فرشتگان در بخش بالایی نگاره، آن‌گونه که در متن تصویر نمایانده شده، نشانگر نوعی تمایز فرهنگی است.



تصویر ۴. قاب آئینه با روایت‌هایی از عرفا، قرن ۱۹ م/ ۱۳ هـ، اثر محمد اسماعیل، ابعاد: ۱۵/۳ × ۲۴/۵ مآخذ: www.sothebys.com



تصویر ۳. قاب آئینه با نقش شیخ صنعان و دختر ترسا، اثر اسماعیل، ۱۸۵۳ م، ابعاد: ۱۹ × ۲۶ مآخذ: www.khalilicollections.org



الف: شیخ صنعان و دختر ترسا ب: شیخ صنعان و دختر ترسا ج: شیخ صنعان و دختر ترسا، مأخذ: ساتبیز.
دو: تصویر عرفا و شعرای صاحب‌نام ایرانی مأخذ: همان. (خلیلی، ۱۳۶۸: ۲۶۲)

و پارسایی. در مجموعه ساتبی دو قاب آیینی دیگر نیز وجود دارند که انتساب به افراد مشخصی ندارند اما فضای تعلیم و مباحثه در آنها دیده می‌شود.

روایت‌های عاشقانه و بزمی

علاوه بر روایت‌های ذکر شده تا این بخش، بر روی قاب آیین‌های دوره قاجار، روایت‌های دیگری از جمله روایت‌های عاشقانه و بزمی نیز مصور شده است. از بین ۳۰ اثر انتخاب شده، ۳ اثر دارای فضای عاشقانه هستند که یکی از آنها به مجموعه ارمیتاژ تعلق داشته و دو اثر دیگر متعلق به مجموعه خلیلی می‌باشند. تصویر ۵ یکی از این آثار است.

تأثیر داستان‌های عاشقانه و در صدر آنها، روایت‌های هزار و یک شب، فضای تصویری دوره قاجار را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود. بسیاری از روایت‌های تصویر شده بر روی قاب آیین‌های این دوران علاوه بر آن‌که از متون ادب فارسی الهام می‌گرفتند، متأثر از وقایع و الگوهای زندگی قاجاری بودند. از معروف‌ترین تصاویر این دوره می‌توان به تصویر ملاقات عاشقانه زوجی دل‌داده اشاره کرد. تصویرگری از مجالس عروسی نیز در این دوران رایج بود. تصویر ۵، که مربوط به قرن (۱۹م/ ۱۳ هـ) است، در سه بخش به شرح روایت یک مجلس عروسی پرداخته است. تنوع نوع پوشش و حالات و حرکات افراد، صحنه‌پردازی مجلل و مهارت در اجرای نقاشی از نقاط قوت این اثر است. با توجه به ویژگی‌های تصویری این آیین‌ها، این دسته از آیین‌ها را می‌توان در شمار آیین‌های مناسبی‌ای به شمار آورد که برای گروه خاصی از مردم، از جمله: دختران جوان و تازه بخت سفارش داده می‌شد.

شمایل‌نگاری شیعی

شمایل‌نگاری شیعی که در زمره مردم‌پسندترین یا

روایت شیخی دین‌دار و صاحب کرامت به نام شیخ صنعان می‌پردازد که عاشق دختری ترسا می‌شود. درونمایه اصلی این داستان، «امکان انحراف اخلاقی و دینی پس از عمری عبادت و پارسایی» است. از دیگر مضامین مطرح در این داستان می‌توان به: «قدرت خواهش‌های نفس اماره در گمراهی انسان»، «آزمایش و امتحان الهی»، «سرسپردگی به معشوق حتی به بهای باختن دین و دنیا» و «حسن خاتمت برای اولیاء الله» اشاره کرد. تصویر ۳، که توسط محمد اسماعیل اصفهانی (۱۲۳۰- ۱۳۱۰ هـ) از نقاشان مشهور دوره قاجار، نقاشی شده، در سه بخش به شرح این روایت پرداخته است. یکی از ویژگی‌های شاخص این نگاره علاوه بر زیبایی و مهارت نقاشانه، توجه و تأکید هنرمند بر تمایزها و تفاوت‌های فرهنگی موجود میان افراد حاضر در تصویر است. مثل نقاشی کردن مسجد در بخش بالایی و کلیسا در بخش پایینی نگاره، همچنین تفاوت در پوشش و چهره افراد و ایجاد گروه‌بندی مشخص میان حاضران، یعنی شیخ صنعان و مریدانش با دختر ترسا و اطرافیانش.

عارفان و شاعران: از دیگر روایت‌های ادبی و عرفانی رایج در قاب آیین‌ها، می‌توان به تصویرگری از عرفا و شعرای صاحب‌نام ایرانی اشاره کرد. قاب آیینی زیبایی از دوره قاجار در مجموعه ساتبی وجود دارد (تصویر ۴) که حاوی شش روایت از زندگی عرفا و شعرای مشهور ایرانی از جمله: بایزید بسطامی، شیخ بهایی و میرکبیر، بابا طاهر عریان، مولوی و شمس تبریزی می‌باشد. در بخش پایینی هر قاب نیز قسمتی از داستان شیخ صنعان تصویر شده است. نقاش این قاب آیینی محمد اسماعیل اصفهانی است. فضای کلی این نگاره در بخش اول، برگزاری آیینی عارفانه، در بخش دوم فضای تعلیم و مباحثه و در بخش سوم هشدار است به جویندگان طریق حقیقت از قدرت نفس انسان، در کشاندن افراد به ورطه گمراهی، پس از عمری عبادت



تصویر ۶. قاب آئینه با نقش شمایل حضرت علی (ع)، تاریخ ساخت ۱۸۵۰-۱۸۷۵، ویکتوریا و آلبرت، مأخذ: collections.vam.ac.uk



تصویر ۵. قاب آئینه با نقش عروسی، نیمه پایانی قرن ۱۹، ابعاد: ۲۸ × ۲۱/۴ cm، مأخذ: (خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۱۳).

مسلمان می‌باشد. از خلال این روایات، حضرت علی (ع) اسطوره‌ای است که با صفاتی همچون: قهرمانی، بی‌زمانی، شکست‌ناپذیری و نامیرایی شناخته می‌شود. شمایل نشسته حضرت علی (ع) که گاه شمشیری در دست دارد، یکی از معروف‌ترین و پرسامدترین تصاویر مذهبی این دوره است که می‌توان آن را سرآغاز ظهور آئینی چهره‌ی شخصیت‌های دینی به شمار آورد. مهم‌ترین نشانه‌های موجود در شمایل حضرت علی (ع)، هاله نور و شمشیر دوالفقار است. در برخی از نگاره‌ها حسنین (ع)، خورشید و فرشتگان، نیز حضور دارند. شیوه قرار گرفتن دست‌های آن حضرت نیز حرف «لا» را تداعی می‌کند (تصویر ۶).

اهل بیت (ع): تصویرگری اهل بیت از دیگر موضوعات شمایل‌نگاری مذهبی است. روایات متعددی درباره اهل بیت و شأن نزول آیه «تطهیر» (احزاب: ۳۳). ذکر شده است. بنا بر روایات، منظور از اهل بیت در این آیه، پیامبر اکرم (ص)، حضرت فاطمه (س)، حضرت علی (ع)، حضرت امام حسن (ع) و حضرت امام حسین (ع) می‌باشند. در فرهنگ شیعه، دیگر امامان شیعی نیز در زمره اهل بیت قرار دارند. قاب آئینه شماره ۷ اثر محمد اسماعیل، اهل بیت پیامبر را نشان می‌دهد. استفاده از هاله نور برای اهل بیت (ع) و قرار دادن آن‌ها در مرکز تصویر، از تمهیدات نقاش برای تأکید بر جایگاه شاخص آن‌هاست. در قسمت بالای این نگاره نیز همچون بیش‌تر نقاشی‌هایی از این دست، تصویر فرشتگان بالدار نقاشی شده و دور تا دور این

مردمی‌ترین هنرهای مذهبی قرار دارد، در دوره قاجار مقبولیت زیادی یافت. تصویرگری چهره حضرت علی (ع) از رایج‌ترین مضامین در هنر مذهبی این دوره بود. تا جایی که بنا بر گزارش ادوارد پولاک (۱۸۱۸-۱۸۹۱ م) پزشک دربار ناصرالدین شاه (۱۲۲۷-۱۲۷۵/۱۸۴۸-۱۸۹۶ م)، تقریباً در تمام خانه‌های مردم فرودست تصویری از حضرت علی (ع) وجود داشت (پولاک، ۱۳۶۸: ۲۲۲). شمایل نشسته حضرت علی (ع) که اغلب شمشیری در دست دارد، یکی از معروف‌ترین تصاویر مذهبی این دوره است. که نه تنها در عرصه مصورسازی کتاب‌های مذهبی، نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای و تصاویر چاپ سنگی، بلکه در عرصه فرهنگ مادی نیز ظهور و بروز یافت.

شاخص‌ترین نماد اسلامی و شیعی که بر روی قاب آئینه‌ها تصویر می‌شد، تمثال حضرت علی (ع) است. در بین آئینه‌های مورد بررسی ۵ آئینه مزین به شمایل حضرت علی (ع) بودند.

حضرت علی (ع):

حضرت علی (ع) به عنوان امام اول شیعیان، نه تنها نماد شجاعت و پارسایی بلکه نماد انسان کامل نیز هست و روایت‌های بسیاری درباره پهلوانی، جنگاوری، فتوت و جوانمردی وی نقل شده است. بر اساس اطلاعات تاریخی، حضرت علی (ع) یکی از نمادهای اسلام رسمی، تشیع، تصوف، اسلام مردمی، فرهنگ عامه و به طور کلی حیات اجتماعی و فکری ایرانیان

کارکردهای گوناگون داشته و مؤلفه‌های اسطوره‌ها و استعاره‌های ادبی شده‌اند. در فرهنگ هندو اروپایی، درختی خاص که معمولاً با عنوان درخت زندگی شناخته شده، با پرنده‌ای ربط می‌یابد که روح سخنگوی درخت است. استعاره‌های رایج در فرهنگ و ادب فارسی که متضمن گل / درخت، مرغ / پرنده هستند را می‌توان با اسطوره درخت جهانی و پرنده‌ای که بر فراز آن است ارتباط داد (مختاریان، ۱۳۸۹: ۱۲۵). همچنین در فرهنگ شیعی اشارات فراوانی به درخت طوبی شده، پیامبر اکرم (ص) و خاندانشان را با درخت طوبی در ارتباط دانسته‌اند. از جمله: تعبیر ملاصدرا از درخت ولایت و شجره طوبی که ریشه‌اش در خانه حضرت علی (ع) و شاخه‌هایش در خانه مؤمنان گسترده شده است (رک: ملاصدرا، ۱۳۸۲).



تصویر ۷. قاب آئینه با تصویر رسول اکرم (ص)، اثر محمد اسماعیل، ۱۸۶۰ م، ابعاد: ۲۱/۶ × ۲۷/۷ مأخذ: خلیلی، ۱۳۸۶: ۲۶۲.

کدها و رمزنگارها

منظور از کد در این پژوهش، مجموعه‌ای از نوشته‌ها و حروف است که بر مفاهیم فرهنگی یا مذهبی دلالت دارند. میزان بسامد کدهای فرهنگی در هر بخش از فرهنگ، نشانگر اهمیت آن کدها در قیاس با سایر موارد است. کدهای رایج در آئینه‌ها را در دو بخش کلی می‌توان مورد ملاحظه قرار داد که عبارتند از: ۱. کدها و نشانه‌ها ۲. رمزنگارها.

کدها

کدهای به کار رفته بر روی آئینه‌ها، بیش‌تر نوشتاری بوده، نوشته‌های اعتقادی و ادبی از متداول‌ترین کدهای مورد استفاده می‌باشند. برخی از مهم‌ترین دعاهای مکتوب بر قاب آئینه‌ها بدین شرح‌اند:

دعای نظر کردن در آئینه: «الحمد لله الذی أحسن و أكمل خلقی و حسن خلقی و خلقنی خلقا سويا و لم يجعلنی جبارا شقيا. الحمد لله الذی زين منی ما أشان من غیرى. اللهم كما أحسن خلقی فصل علی محمد و آل محمد و حسن خلقی و تتم نعمتک علی و زینى فی عیون خلقک و جملى فی عیون بریتک و ارزقنى القبول و المهابة و الرأفة و الرحمة؛ یا أرحم الراحمین.» ۱. در قاب آئینه شماره ۹ که متعلق به موزه شاه عبدالعظیم است، این دعا به طور کامل نوشته شده اما آئینه شماره ۱۰ و آئینه شماره ۱۱، حاوی بخش‌هایی از این دعاست.

دعای در امان ماندن از بلايا: «یا شَهِيدَ القَوى و یا شَهِيدَ المَجال، یا عَزِيزَ یا عَزِيزَ یا عَزِيزَ ذَلْتَ بِعَظَمَتِكَ جَمیعَ خَلقِک، فَاکفَنِ شَرَّ خَلقِک یا مُحسِنِ یا مُجَمِّلِ یا مُنعمِ یا مُفَضِّلِ، یا لا اِلهَ الا اَنْتَ سُبْحانَكَ اَنى كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ، فَاسْتَجِبْنا لَهُ وَ نَجِّناهُ مِنَ العَمِّ وَ کَذَلِکَ نَجِّجِ الْمُؤْمِنِینَ، وَ صَلِّ اللهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اَهِلِّ الطَّيِّبِینَ الطَّاهِرِینَ» ۱ قاب آئینه شماره ۹.

قاب آئینه، اشعاری در مدح پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت نوشته شده است: «ای دودمان هاشمیان از تو تاجور / وی فیض رحمت تو رسیده به بحر و بر / کشتی نوح آل تو است و کتاب تو / بی این دو نیست پاره در این بحر شور و شر / داماد و دختر و دو نبیره که مر تراست / هر یک چو تو مقرب درگاه دادگر / یک جان با فروغ مسمی به پنج تن / یک آفتاب روشن و رخشان ز پنج در / قائم به یک طبیعت گردیده پنج روح / بیرون ز یک گریبان آورده پنج سر / شیر خدا علی ولی کز ثنائی اوست / قرآن تمام گویا از پا تا به سر / زهرای زهره پرور کز مهر پرورید / در دامن‌اش دو زهره به از شمس و از قمر / آن هر دو سرو گلشن ایمان که باغ دین / بی این دو همچو سرو بود عاری از ثمر» (خلیلی، ۱۳۸۶: ۲۶۲).

نمادها

یکی از مفاهیم حائز اهمیت برای خوانش فرهنگی آثار، توجه به نمادهاست. در تعریف گفته می‌شود که نماد «مظهر یا نشان ملموس است که به منظور نشان دادن واقعیتی مجرد یا فعل و انفعال اندیشه به کار می‌آید» (بیرو، ۱۳۷۰: ۴۸۴). انتقال معانی فرهنگی، از مهم‌ترین کارکردهای نماد است. از پرتکرار ترین نمادهای به کار رفته در قاب آئینه‌های قاجاری می‌توان به نماد گل و مرغ اشاره کرد. (تصویر ۸).

گل و مرغ: از خلال روایت‌های رایج در فرهنگ ایرانی اسلامی مثل: درخت گوگرد و سیمرغ در فرهنگ پیش از اسلام که منشأ تمام گیاهان روی زمین است (فرنغ دادگی، ۱۳۶۹: ۶۵). و درخت طوبی در روایات اسلامی که آشیانه سیمرغ بوده و منشأ تمام درختان و گیاهان روی زمین دانسته شده است (سهروردی، ۱۳۸۴: ۵۸-۵۹)، تصویر درخت و پرنده‌ای بدست می‌آید که

۱. «ستایش خدایی را سزد که بدم را زیبا و بی‌نقص آفرید و خوی مرا نیکو گرداند و در اندامم کم و زیادی قرار نداد و مرا زورگو و بی‌رحم نساخت. پروردگاری را ثنا می‌گویم که اندام‌هایی از مرا که در دیگران زشت کرده بود، آراست. پروردگارا، چنان که ظاهر بدم را نیکو گردانیدی بر محمد و خاندانش درود فرست و خوی مرا نیز نیکو و نعمت را بر من کامل گردان و مرا در دید مخلوقات بیاری و در دید آفریدگانت زیبا کن و پذیرفته شدن کردار و شکوه و مهرورزی و بخشایش را نصیبم ساز؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.»



تصویر ۱۰. قاب آئینه با ادعیه شیعی، اواخر قرن ۱۸م/۱۲هـ، ابعاد: ۱۷/۸×۱۲/۲ cm. مأخذ: (خلیلی، ۱۳۸۶: ۱۱۳).



تصویر ۹. قاب آئینه با ادعیه شیعی، دوره قاجار، موزه شاه عبدالعظیم، مأخذ: نگارندگان.



تصویر ۸. قاب آئینه با نقش گل و مرغ، قرن ۱۲هـ/ ۱۸۰۰م. مأخذ: www.khalilcollections.org

این باور بوده و هستند که این حروف و اعداد رمزی با پیدایش عالم خاکی، ارواح و مظاهر آسمانی، ذات الهی و اسماء خداوندی که خالق این پدیده‌هاست، ارتباط دارد (تناولی، ۱۳۹۴: ۲۰). حروف ابجد و معادل عددی آن‌ها در این زمینه کاربرد داشتند. گاه نیز از رمزنگاری اعداد به جای حروف استفاده می‌شد. برای این حروف و اعداد خاصیت‌های مختلفی ذکر شده و رمالان، دعانویسان و عالمان علوم غریبه برای مقاصد مختلف از این رمزنگارها استفاده می‌کردند.

قاب آئینه‌ای که متعلق به موزه آستانه قم است (تصویر ۱۲)، حاوی جداول رمزی و رمزنگاره‌هایی از این دست می‌باشد. تصویرگری شمایل حضرت علی (ع) بر یکی از وجوه این قاب آئینه و نوشتن، ادعیه، جداول طلسمی، آیه الکرسی و اسماء الهی بر وجه دیگر قاب این آئینه، به گونه‌ای است که می‌توان این شیء را نه یک آئینه با کارکردی معمول و روزمره، بلکه در زمره یکی از اشیاء نمادین به حساب آورد. در قاب سمت راست این آئینه، شمایل حضرت علی (ع) به همراه حسنین (ع) و فرشتگان بالدار نقاشی شده و دور تا دور این تصویر، اشعاری در مدح حضرت علی (ع) نوشته شده است. در قاب سمت چپ نیز، جداول رمزی اعداد، حروف و اسماء الله، همراه با عبارات «یا صمد»، «بدوح»، «الله»، «محمد» و سوره توحید نوشته شده‌اند.

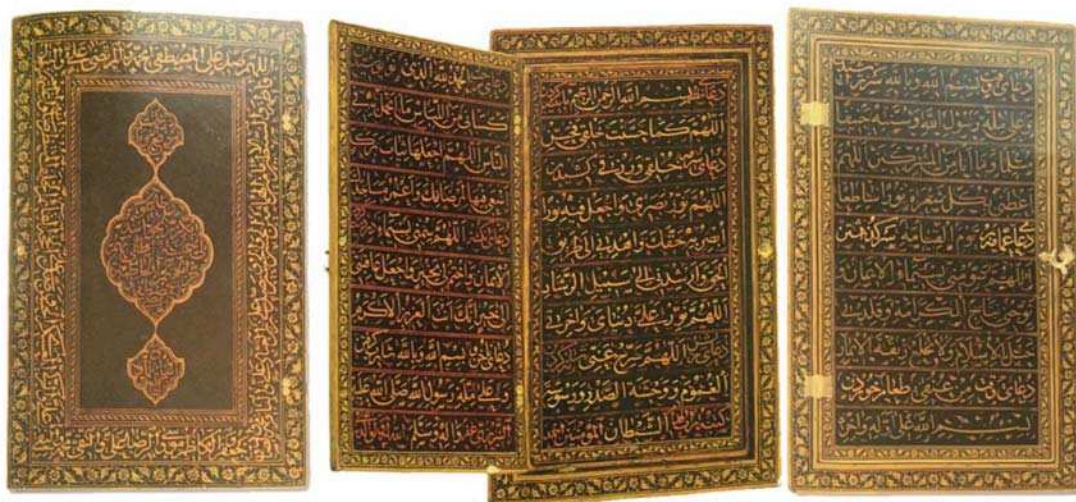
قاب آئینه دیگری نیز با ویژگی‌های مشابه در موزه آستانه قم وجود دارد. با این تفاوت که در بخش بالایی شمایل، تصویر یک خورشید، به صورتی مشخص نقاشی شده، پیوستگی نقش خورشید با رسول اکرم (ص) در هنر شیعی (رک: خزایی، ۱۳۸۰). در این

است. «آیه الکرسی»: آیه ۲۵۵ سوره بقره از پرکاربردترین ادعیه رایج بر روی آثار و اشیاء مختلف است که خواص متعددی را برای آن بر شمرده‌اند. از جمله این‌که: قرائت آن پس از نماز واجب، قاری را تا نماز دیگر در زمه خداوند قرار می‌دهد و قرائت آن هنگام خواب، شخص را تحت حفاظت دو فرشته درمی‌آورد و چیزی جز مرگ مانع ورود او به بهشت نیست و خداوند خود، او را قبض روح خواهد کرد و چونان کسی باشد که در رکاب پیامبران به شهادت رسیده است و در هر خانه‌ای خوانده شود، شیطان و جنیان از آن دور می‌شوند (دانشنامه اسلامی، ذیل آیه الکرسی). قاب آئینه‌های شماره ۱۲ و ۱۳.

اسماء الله: بر روی بعضی از قاب آئینه‌ها مثل آئینه شماره ۱۲ و ۱۳، اسماء الله الحسنی نوشته شده است. اشعار فارسی در مدح ائمه: بر روی بعضی از قاب آئینه‌ها مثل: قاب آئینه شماره ۷، شماره ۱۲ و شماره ۱۳، اشعاری در مدح اهل بیت (ع) و حضرت علی (ع) نوشته شده است.

رمزنگارها

خلاصه‌نویسی کلمات و نوشتن حروف به صورت رمز، از مواردی بود که در شاخه‌های مختلف علوم غریبه کاربرد داشت. اعتقاد به خاصیت حروف یا «علم اسرار حروف»، که قدمت آن به قرن‌های اول اسلامی می‌رسد، در دوره قاجار گسترش یافت. اعتقاد به خاصیت جادویی این حروف را می‌توان از دلایل این امر بر شمرد. صاحب‌نظران این حوزه، بر



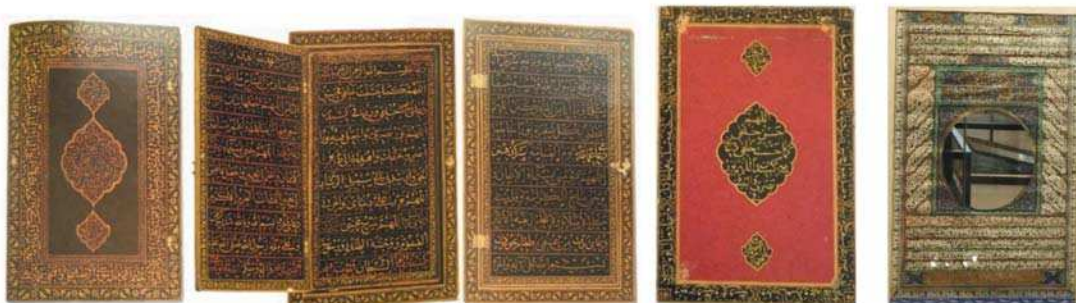
تصویر ۱۱. قاب آئینه با ادعیه شیعی، به خط احمد نیریزی، اوایل دوره قاجار، ابعاد: ۱۷/۷×۱۷/۷ مأخذ: همان.

است. از آن رو که لزوم ذکر حق را در هر کاری از جمله: نگاه کردن به آئینه، تراشیدن ریش، انگشتر به دست کردن، جامه نو پوشیدن و نظایر آن به شخص مؤمن یادآوری می‌کند. همچنین برخی از کدهای نوشته شده، صیغه توحیدی دارند. مثل نوشتن آیت الکرسی و اسماء الله که بر وحدانیت خداوند تأکید دارند. باور عموم مبنی بر خواص معجزه‌آسای این آیات و اسماء، می‌تواند در گسترش آن‌ها نقش قابل توجهی داشته باشد. ذکر و مدح چهارده معصوم، از دیگر عبارات درج شده بر قاب آئینه‌ها هستند. در ذکر صلوات کبیره و توسل به دوازده امام (ع) بر هر یک از ۱۴ معصوم صلوات فرستاده شده، با اوصاف و القاب مخصوص، آنان را ستایش کرده‌اند. این کدها بر اصول اعتقادی شیعه یعنی: ولایت، امامت و توسل به چهارده معصوم دلالت دارند که بر اصل تولا قابل انطباق‌اند. اگرچه در خصوص تبری، موردی مشاهده نشد و به نظر می‌رسد این اصل، چندان از سوی هنرمندان یا سفارش دهندگان، مورد توجه نبوده‌است.

نگاره به صورت مفهومی، بر همنشینی حضرت علی (ع) با پیامبر اکرم (ص) دلالت دارد. دور تا دور این نقاشی، اشعاری در مدح حضرت علی (ع) نوشته شده است. بر وجه دیگر قاب آئینه نیز «آیه الکرسی» دور تا دور قاب به صورت سرتا سری کتابت گردیده و در بخش میانی قاب، در جدولی، اسماء الله نوشته شده‌اند (تصویر ۱۳).

پیوست‌های محتوایی تشریح شده تا بدین‌جا به ترسیم یک مدل تشریحی از کدها و رمزنگاره‌های رایج در تزیین قاب آئینه‌ها کمک کرد. با توجه به محتوای رایج در این آثار، می‌توان گفت، توجه به ارکان تعلیمی و عقاید شیعی از برجسته‌ترین موضوعات نقش شده بر قاب آئینه‌های قاجاری می‌باشند. این تعالیم عبارتند از: لزوم توکل بر پروردگار و یادآوری ذکر خداوند در تمامی کارها و اعمال از جمله: دعا برای داشتن خوی نیکو، رهایی از وسوسه شیطان، رهایی از غم، طلب آموزش، عاقبت به خیری و نظایر آن. تعالیم درج شده بر قاب آئینه‌ها بیش‌تر در راستای شریعت‌گرایی

جدول ۵. آئینه‌های دارای کدهای اعتقادی، مأخذ: همان.



ج: قاب آئینه حاوی ادعیه، خلیلی، ۱۳۸۶

ب: قاب آئینه حاوی ادعیه
مأخذ: خلیلی، ۱۳۸۶

الف: قاب آئینه حاوی ادعیه
مأخذ: موزه شاه عبدالعظیم



تصویر ۱۲. قاب آئینه با شمایل حضرت علی (ع) و حسنین (ع) ، ادعیه، جداول حروف و اعداد، دوره قاجار، موزه آستانه قم. مأخذ: همان.



تصویر ۱۳. قاب آئینه با شمایل حضرت علی (ع) و حسنین (ع) ، ادعیه و اسماء الحسنی، دوره قاجار، موزه آستانه قم. مأخذ: (نگارندگان).

جدول ۶. پیوست‌های فرهنگی رایج در قاب آئینه‌های قاجاری از میان سی نمونه آماری، مأخذ: همان.

پیوست‌های فرهنگی رایج در قاب آئینه‌های قاجاری از میان سی نمونه آماری				
تعداد	نمودها	انواع		پیوست‌های فرهنگی
۵	۱. حضرت یوسف (ع) ۲. حضرت مریم (ع) به عنوان نمودی از انسان کامل و آرمانی، الگو و سرمشق افراد می‌باشند.	اساطیری و مذهبی	روایت‌ها	۱
۵	شیخ صنعان، بایزید بسطامی، شیخ بهایی، بابا طاهر عریان، مولوی و شمس تبریزی از برجسته‌ترین شخصیت‌های مصور شده بر قاب آئینه‌ها هستند که داستان زندگی هر کدام از آنها حاوی نکات پندآموز متعددی است.	ادبی و عرفانی		
۳		عاشقانه و بزمی		
۶	۱. حضرت علی (ع) ۲. اهل بیت (ع) اعتقاد به ائمه (ع) و اهل بیت جزء میانی فکری تشیع بوده و آنها در باور مسلمانان نماد انسان کامل می‌باشند.	شمایل‌نگاری شیعی		
۶	گل و مرغ از پرتکرارترین نمادهای به کار رفته در قاب آئینه‌های قاجاری است که می‌تواند نمودی از بهشت موعود و شجره طوبی باشد.	گل و مرغ	نمادها	۲
۳	۱. ادعیه شیعی: دعای نظر کردن در آئینه، دعای در امان ماندن از بلاها، دعای توسل به دوازده امام، دعای شانه زدن ریش، دعای سرمه کشیدن، صلوات کبیره، دعای طعام خوردن، دعای جامه نو پوشیدن، دعای ناخن و شارب گرفتن، آیه‌الکرسی، اسماء الله. ۲. اشعار فارسی در مدح ائمه.	کُدها و نشانه‌ها	کُدها	۳
۲	نوشتن حروف به صورت رمز، جداول حروف و اعداد طلسمی.	رمزنگارها		

نتیجه

نتیجه این بررسی ضمن آن‌که نشان از تأثیر مستقیم اعتقادات اسلامی و مذهب تشیع بر شیوه طراحی قاب آئینه‌های دوره قاجار دارد، بیانگر وجود تنوع قابل ملاحظه‌ی صوری در قاب آئینه‌های این دوره است. قاب آئینه‌های دوره قاجار حاوی روایت‌ها، رمزنگارها و گداهایی هستند که پیوستگی فرهنگی قابل ملاحظه‌ای با روایت‌های فرهنگی، ادبی و شیعی دارند. این روایت‌ها در چهار بخش کلی قابل ملاحظه‌اند. یعنی: روایت‌های اساطیری و مذهبی (۵ نمونه)، روایت‌های ادبی و عرفانی (۵ نمونه)، روایت‌های عاشقانه و بزمی (۳ نمونه)، و شمایل‌نگاری شیعی (۶ نمونه). شاخص‌ترین نماد تصویر شده بر قاب آئینه‌ها، نماد گل و مرغ (۶ نمونه) است. نوشته‌های اعتقادی و ادبی از متداول‌ترین گداهای مورد استفاده می‌باشند که در بین آن‌ها کاربرد ادعیه شیعی، بیش از سایر گداهاست (۳ نمونه). در حالی که آئینه‌های حاوی مضامین روایی، پیوستگی بیش‌تری با فرهنگ و ادب ایرانی دارند، آئینه‌هایی که مبتنی بر کاربرد گداه، نشانه‌ها و رمزنگارها هستند، بار اعتقادی بیش‌تری دارند. این گداه با باورداشت مردم در خصوص استفاده از تأثیرات معنوی این آیات، انکار و اوراد ارتباط مستقیم دارد. مقایسه تعداد نمونه‌ها در مجموعه مورد بررسی، نشان از گستردگی نمادهای گل و مرغ به عنوان نمادی از بهشت، شجره طیبه یا درخت طوبی و شمایل‌نگاری شیعی در مقایسه با سایر نمونه‌ها دارد. از خلال این بررسی روشن می‌شود که قاب آئینه‌ها در دوره قاجار کارکرد دگرگونه‌ای پیدا کرده گاه در بیان روایت‌ها، گاه در خدمت ایدئولوژی رایج، گاه به عنوان ابزاری در جهت تعلیم و تأکید بر مضامین دینی و اخلاقی و گاه نیز به عنوان حرز و تعویذی برای نگاه‌داشت و محافظت دارندگان این ادعیه از بلا یا کاربرد یافته‌اند.

منابع و مآخذ

- افشاری، مهران و مدائینی، مهدی. ۱۳۸۸. چهارده رساله در باب فتوت و اصناف، چ ۳، تهران: چشمه.
- بقلی شیرازی، روزبهان. ۱۳۴۴. شرح شطیحات، به تصحیح هانری کربن، تهران: قسمت ایران‌شناسی انستیتو ایران و فرانسه.
- بیرو، آلن. ۱۳۷۰. فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان
- پولاک، یاکوب ادوارد. ۱۳۶۸. سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، چ ۲، تهران: خوارزمی.
- تناولی، پرویز. ۱۳۹۴. طلسم گرافیک سنتی ایران، چ ۴، تهران: بن‌گاه.
- حمزئیان، حمید و خادمی، سمیه. ۱۳۹۵. «بررسی تطبیقی کاربرد آینه در آثار عین القضاة همدانی و مولوی»، ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی، سال ۱۲، ش ۴۳، ص ۴۳-۸۴.
- خزایی، محمد. ۱۳۸۰. «نقش شیر نمود امام علی.ع. در هنر اسلامی»، کتاب ماه هنر، ش ۳۱ و ۳۲، ص ۳۷-۳۹.
- خلیلی، ناصر. ۱۳۸۶. کارهای لاک، سرویراستار انگلیسی جولیان رابی، ترجمه سودابه رفیعی سخایی، ویراستار فارسی ناصر پورپیرار، تهران: کارنگ.
- فرنبغ دادگی، ۱۳۶۹. بُندَه‌ش، ترجمه مهرداد بهار، تهران: توس.
- داروئی، پریسا و مرثی، محسن. ۱۳۹۰. «بررسی‌تصویرسازی به شیوه‌الاک‌ی در اصفهان عصر قاجار»، فصلنامه علمی پژوهشی نگره، ش ۲۰، ص ۳۳-۴۳.
- دورکیم، امیل. ۱۳۸۳. صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.
- رابینسون، بی. ۱۳۸۶. نقاشی لاک‌ی در عهد قاجار، ترجمه اردشیر اشراقی، گلستان هنر، ش ۹، ص ۱۰۱-۱۱۰.
- ریکور، پل. ۱۳۸۶. زندگی در دنیای متن: شش گفتگو، یک بحث، ترجمه بابک احمدی، تهران: مرکز.
- سهروردی، شهاب‌الدین ابو‌حفص عمر. ۱۳۸۸. هشت رساله سهروردی، با مقدمه و توضیح کاظم محمدی،



تهران: نجم کبری.

سهروردی، شهاب الدین ابوحفص عمر. ۱۳۸۴. رساله عقل سرخ، تهران: سبکباران.
شوالیه، ژان و گربران، آلن. ۱۳۸۴. فرهنگ نمادها، ترجمه و تحقیق، سودابه فضایی، ج ۱، چ ۲، تهران:
جیحون.

شمیسا، سیروس. ۱۳۷۷. فرهنگ اشارات ادبیات فارسی، ج ۲، تهران: فردوس.
فخرائی، سیروس. ۱۳۸۸. تفکر جامعه‌شناختی جفری الکساندر، مجله جامعه‌شناسی، سال اول، ش ۴، ص
۲۹-۵۴.

قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم. ۱۳۴۵. رساله قشیریه، به تصحیح بدیع الزمان فروزانفر، تهران: بنگاه ترجمه
و نشر کتاب.

کوزر، لوئیس. ۱۳۸۳. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
مختاریان، بهار. ۱۳۸۹. بلبل سرگشته. پژوهشی در نمادشناسی گل و مرغ. نامه فرهنگستان، ش ۴۴، ص
۱۱۰-۱۲۶.

ملاصدرا، صدرالدین شیرازی. ۱۳۸۲. اسفار اربعه، ج ۴، تهران: بی‌نا.

مقیم‌پور بیژنی، طاهره. ۱۳۸۹. «آئینه و قاب آئینه در هنر ایران»، کتاب ماه هنر، ش ۱۴۰، ص ۹۸-۱۰۳.
نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف. ۱۳۸۸. خسرو و شیرین، چ ۲، به تصحیح: حسن وحید دستگردی، تهران: زوار.
هال، جان. آر و مری جونیتس. ۱۳۹۰. فرهنگ از دیدگاه جامعه‌شناختی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران:
سروش.

یاحقی، محمد جعفر. ۱۳۷۵. فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: سروش.

Alexander, Jeffrey C. & Philip Smith, 1993, The Discourse of American Civil Society: A New Proposal for Cultural Studies', Theory & Society 22(2): 151-207.

Alexander, Jeffrey & Philip Smith, 2006, Strong Program in Cultural Sociology: Elements of Structural Hermeneutics;, in Jeffrey C. Alexander, The Meanings of Social Life: a Cultural Sociology, Oxford and New York: Oxford University Press:1126.

Taylor, Edward, 1985, Primitive Culture, New York: Harper & Row.

Woodward, Ian, 2007, Understanding material culture, Sage publications, London



- Studies Department, Iran and France Institute.
- Birou, Alain (1370 SH), *Farhang-e Olum-e Ejtema'i*, translated by Bagher Saroukhani, Tehran: Keyhan.
- Chevalier, Jean & Gheerbrant, Alain (1384 SH), *Farhang-e Namad-ha (Dictionnaire des Symboles: Mythes, Reves, Coutumes ...)*, translated and research by Soudabeh Faza'ili, Vol. 1, 2nd print, Tehran: Jeyhoun Pub.
- Coser, Lewis A. (1383 SH), *Zendegi va Andisheh-ye Bozorgan-e Jame'i-shenasi (Masters of Sociological Thought)*, translated by Mohsen Salasi, Tehran: Elmi Pub.
- Darou'i, Parisa & Marasi, Mohsen (1390 SH), «Barrasi-ye Tasvirsazi beh Shive-ye Laki dar Esfahan-e Asr-e Qajar», *Negareh Journal*, No. 20, pp. 33-43.
- Durkheim, Émile (1383 SH), *Souvar-e Bonyani-ye Hayat-e Dini (Les Formeselemen Taires de la vie Religieuse: le Systeme Totemique en Australia)*, translated by Baqir Parham, Tehran: Markaz Pub.
- Eduard Polak, Jakob (1368 SH), *Safarnemeh-ye Polak: Iran va Iraniyan*, translated by Keykavous Jahandari, 2nd print, Tehran: Kharazmi Pub.
- Fakhra'ee, Sirous (1388 SH), «Tafakor-e Jame'i-shenakhti-ye Jeffrey Alexander», *Jame'i-shenasi Journal*, No. 4, pp. 29-54.
- Faranbaq Dadegi (1369 SH), *Bundahišn*, translated by Mehrddd Bahar, Tehran: Tous Pub.
- Hall, John R. & Neitz, Mary Jo (1390 SH), *Farhang az Didgah-e Jame'i-shinakhti (Sociological Perspectives)*, translated by Fariborz Majidi, Tehran: Soroush Pub.
- Hamzeh'iyān, Hamid & Khademi, Sumayyeh (1395 SH), «Barrasi-ye Tatbigi-ye Karbord-e Ayeneh dar Asar-e Ayn al-Quzat Hamadani va Mulavi», *Adabiyat-e Erfani va Ostureh-shanakhti Journal*, 12, No. 43, pp. 43-84.
- Khaza'i Muhammad (1380 SH), «Naghsh-e Shir: Nemoud-e Imam Ali dar Honar-e Eslami», *Ketab-e Mah-e Honar Journal*, No. 31 & 32, pp. 37-39.
- Khalili, Nasser (1386 SH), *Karha-ye Laki*, English edition by Julian Raby, translated by Soudabeh Rafiee Sakha' i, Persian edition by Nasser Pourpirar, Tehran: Karang Pub.
- Mokhtarian, Bahar (1389 SH), «Bolbol-e Sargashteh (Pajouheshi dar Namad-shenasi-ye Gol-omorgh)», *Nameh-ye Farhangestan Journal*, No. 44, pp. 110-126.
- Moghimpour-e Bijani, Tahereh (1389 SH), «Ayneh va Ghab-e Ayneh dar Honar-e Iran», *Ketab-e Mah-e Honar Journal*, No. 140, pp. 98-103.
- Mulla Sadra (1382 SH), *Asfar-e Arba'i*, Vol. 4, Tehran: unplaced.
- Nizami Ganjavi (1388 SH), *Khosrow va Shirin*, 2nd print, ed. Hassan Vahid Dastgerdi, Tehran, Zavvar Pub.
- Qushayri, Abulqasem Abdolkarim (1345 SH), *Resaleh-ye Qushayriyeh*, ed. Badiozzaman Forouzanfar, Tehran: Bongah-e Tarjomeh va Nashr-e Ketab.
- Ricœur, Paul (1386 SH), *Zendegi dar Donya-ye Matn: Shesh Goftegou, Yek Bahs*, translated by Babak Ahmadi, Tehran: Markaz Pub.
- Robinson, B. W. (1386 SH), *Naghashi-ye Laki dar Ahd-e Qajar*, translated by Ardashir Eshraghi, *Golestan Honar Journal*, No. 9, pp. 101-110.
- Shamisa, Sirous (1377 SH), *Farhang-e Esharat-e Adabyat-e Farsi*, Vol. 2, Tehran: Ferdows Pub.
- Suhrawardi, Yahya ibn Habash (1388 SH), *Hasht Resaleh-ye Suhrawardi*, ed. Kazem Muhammadi, Tehran: Najm-e Kobra Pub.
- 1384) ——— SH), *Resaleh-ye Aghl-e Sorkh*, Tehran: Sabokbaran.
- Tanavoli, Parviz (1394 SH), *Telesm-e Gerafik-e Sunnati-ye Iran*, 4th print, Tehran: Bungah Pub.
- Yahaqqi, Mohammad-Ja'efar (1375 SH), *Farhang-e Asatir va Esharat-e Dastani dar Adabiat-e Farsi*, Tehran: Soroush Pub.

A Formal Study on the Cultural Connections of Paintings in Qajar Marked Mirror Cases

Sakine Khatoon Mahmoodi, PhD, Student of Islamic Art, Faculty of Arts and Architecture, T.M.U, Tehran, Tehran, Iran.

Syyed Abutorab Ahmadpanah, PhD, Assistant Professor, Faculty of Arts and Architecture, T.M.U, Tehran: Tehran, Iran.

Mohammad Kazai, PhD, professor, Faculty of Arts and Architecture, T.M.U, Tehran, Tehran, Iran.

Received: 2018/04/28 Accepted: 2018/11/20



Objects which are based on a kind of functionality as instruments in everyday life can sometimes go beyond their ordinary position acquiring a cultural role. Mirrors are among such objects which have gained cultural and religious function through influences from the Persian – Islamic culture, especially Shiism. The present research aims at the recognition of the impression of ideology and religion on material culture in the Qajar epoch and the way motifs and designs are used on which by studying mirror cases as common material objects in folk culture. Therefore, the purpose in here is to demonstrate narratives and codes which are indirectly painted on these mirror cases. Assuming that mirror cases have gone beyond their ordinary function gaining a position as a means of conveying cultural aspects, ideology and even religion, the article tries to respond to the basic following question: how Qajar mirror cases have transformed into material objects for the transmission of culture and ideology? Here, the subject is divided into two parts: the role of mirror in Persian - Islamic culture and the formal/ cultural connotation of Qajar mirror cases, i.e. codes and narratives, according to the examination of 30 samples. The methodology of the research is analytical – descriptive based on library and field studies. The samples were selected among electronic online collections of the Hermitage Museum, Victoria and Albert Museum, Khalili Collection, Sotheby's, and the works in the Astaneh Museum of Qom and Shah-Abdol-Azim Museum, Ray. Regarding the large number and variety of mirror cases, the research has just concentrated on the mentioned samples, those which are related to the subject, i.e. samples with literary, mystical and religious themes and motifs. For this purpose, the analysis of works has been based on the cultural approach of Jeffrey Alexander and Philip Smith, i.e. reading social meanings through narratives, symbols and codes. The most important feature of Alexander and Smith's work is the amalgamation of theories that provides a comprehensive methodological framework. The advantage of this method, in comparison to other common ones in the study of material culture, is that it offers an appropriate methodology for the research. The results show that Qajar mirror cases have obtained additional functions, sometimes in producing narratives and presenting ideologies, and sometimes as a means of instruction, emphasizing the religious themes of the time, while in some other cases as amulets to preserve the possessors from misfortune and affliction. While the mirror cases with narrative themes establish a closer connection with Iranian culture and literature, those based on the codes and signs convey a stronger sense of belief. Such codes have a direct connection with people's beliefs regarding the spiritual effects of the verses and litanies.

Keywords: Material Culture, Shiism, Mirror Cases, Qajar Era.

References: Afshari, Mehran & Madayeni, Mahdi (1388 SH=Solar Hijri), Chahardah Resaleh dar Bab-e Futovvat va Asnaf, 3rd print, Tehran: Cheshmeh Pub.

Baghli-ye Shirazi, Rouzbahan (1344 SH), Sharh-e Shat'hiyat, ed. Henry Corbin, Tehran: Iranian